

بررسی ترجمه‌های حیات الحیوان و کتب بیطاری در ایران از آغاز تا روزگار قاجار^۱

زهرا آقابابایی خوزانی*

چکیده

تاریخ دامپزشکی و بیطاری در ایران قدمتی دیرینه دارد. تدوین کتاب‌های جانورشناسی پس از اسلام به همراه ترجمه آثار ارسطو درین باب نظیر اجزاء الحیوان و طباع الحیوان و همزمان با بهره‌وری از آیات و روایاتی از پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) که در آن به رابطه انسان با جانوران و احکام و آداب صید و ذبح می‌پردازد، راهی دراز دامنه طی کرده است تا آنجا که تعداد نسخ دامپزشکی و جانورشناسی موجود را سیصد نسخه ذکر کرده‌اند. درین میان حیات الحیوان دمیری جایگاهی ممتاز دارد و پس از آن چندین ترجمه به فارسی و ترکی؛ از جمله ترجمه محمد بن سلیمان، عبدالرحمن بن ابراهیم و حکیم شاه قزوینی از کتاب صورت گرفته که بعضی آنها تا کنون ناشناخته باقی مانده، هنوز تصحیح کاملی از هیچ یک ازین ترجمه‌ها صورت نگرفته است. تحقیق حاضر به ذیل‌ها، مختصرها و ترجمه‌های حیات الحیوان دمیری به زبان‌های مختلف به طور کلی و بویژه به فارسی، نگاهی انداخته است.

واژه‌های کلیدی

جانور شناسی، حیات الحیوان، دمیری، ترجمه‌های حیات الحیوان

مختصری از پیشینه جانورشناسی در ایران

حیوان شناسی دوران اسلامی درعین بهره‌وری از سرمایه‌های کهن ایرانی و یونانی، پشتوانه عظیمی چون قرآن دارد؛ زیرا که این کتاب آسمانی، افلاک، جماد، نبات، حیوان و انسان را نشانه‌های عظمت الهی می‌داند و حیوانات را حلقه‌های باارزش زنجیره خلقت که در سرنوشت، شریک انسان‌اند. این نگاه به همراه کاربرد ویژه حیوانات در زندگی روزمره، جایگاه خاصی به علم الحیوان بخشیده است. ازین روی، در ایران و سایر ممالک مسلمان، دانشمندان علوم طبیعی همه رنجها را بر خود هموار داشته و درین قلمرو نیز در زمان خود گوی سبقت از همگان ربودند.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران. zahrababaii@pnu.ac.ir

به دلیل خصلت درآمیختگی مطالب در متون کهن، گاه نمی توان برای برخی علوم مرز روشنی ترسیم کرد و آن را منطبق با دانش‌های امروزی دانست. جانورشناسی (وبه تعبیر فرنگی‌ها Zoology) ازین دست است. ازین روی گاه برای یافتن ردپایی از آنها ناگزیر پناه جستن به متونی هستیم که چه بسا در نگاه نخست چندان ربط و دخلی با جانورشناسی ندارند و مطالبی درین باب ذیل موضوع اصلی در ابواب جداگانه ذکر کرده یا در فحوای متن به حاشیه رفته‌اند. فاطمه مهری در مقاله «کتاب الحیوان جانورشناسی در عالم اسلام» این متون را به هشت بهره تقسیم کرده است که به اجمال عبارت‌اند از: عجایب نامه‌ها، آثار لغوی نظیر المخصص ابن سیده، سفرنامه‌ها نظیر آثار البلاد و اخبار العباد قزوینی، کتب بیطره نظیر صیدنامه ملک شاهی تالیف خواجه علی بن محمد نیشابوری، کتب فقه و تفسیر که در آنها به احکام مربوط به جانوران اشاره رفته است، صیدیه‌ها یا شکارنامه‌ها که تحت عنوان کلی کتاب الصيد و الذبایح تألیف شده است، مانند کتاب صیدیه سعدالدین هروی، دایرة المعارف‌های کهن همچون عیون الاخبار ابن قتیبه دینوری و یا رساله‌هایی که در کتاب‌های عمومی در مورد جانورشناسی یافت می شود؛ مانند باب بیست و پنجم قابوسنامه، اندر خریدن اسب، که به اسب شناسی و دامپزشکی اسب اختصاص دارد که در آن از اساتید بیطار، اندام شناسی اسب، رنگ اسبان و تطابق آن با خواص فیزیولوژی، نشانه‌شناسی برخی از بیماری‌ها و سرانجام نام چند بیماری مختصرا بحث شده است، نیز آداب الحرب و الشجاعة از مهم‌ترین و ارزنده‌ترین نوشته‌هایی که از دامپزشکی ایرانی در سده‌های چهارم تا هفتم هجری باقی مانده، باب هشتم تا دهم کتاب راجع به اسب و یکی از منابع اصلی برخی از فرسنامه‌های ایران است و در نهایت، کتب تواریخ مانند مروج الذهب دینوری و کتب طبی (رک: مهری، ۱۳۸۸: ۴-۱۰). اما وراى هشت بهره فوق می‌توان به اقسام دیگری نیز اشاره کرد؛ نظیر کتاب‌هایی که به مناسبت از داستان حیوانات یا از زبان آنها برای بیان مقاصد خود سود جسته‌اند و سنت تاریخی طبیعی هندی - ایرانی را تقویت می کنند؛ یکی از بهترین آثار درین باب «کلیله و دمنه» است. فرج بعد از شدت از قاضی محسن تنوخی (۳۲۷-۳۸۴ق)، جوامع الحکایات اثر سدید الدین محمد عوفی (قرن ششم) و مرزبان نامه وراوینی ازین جمله‌اند.

اما شاید از همه مهم‌تر آثار مرتبط با حیوان‌شناسی و دانش عمومی حیوانات باشد که گاه صورت دایرةالمعارف می‌یابد و ظاهر آن است که با نام الحیوان یا حیات الحیوان تشخیص یافته‌اند. بعض این کتب با نام منافع الحیوان، به استفاده دارویی از اعضای درون و برون حیوان می‌پردازند. درین نوع از کتاب‌ها نیز گاه به مباحث بیطاری و دامپزشکی هم اشاراتی شده است.

از مهم‌ترین کتاب‌ها درین باب الحیوان ابوعثمان عمر بن بحر بن محبوب کانی بصری نویسنده، حیوان شناس و ادیب پرکار عرب، است. وی در حدود سال ۱۵۸ق در بصره زاده شد و چون چشمانش برآمده بود، جاحظ نامیده شد. ^۲ در کتاب الحیوان، جاحظ به وصف طبایع حدود سیصد و پنجاه حیوان پرداخته است. نویسنده به مناسبت موضوع حیوان هرچه توانسته از حکمت، ادب، تاریخ و حکایات مختلف را در آن جا داده است. اگرچه جنبه حیوان‌شناسی کتاب الحیوان چندان نیست و سایر مطالب برآن چیرگی دارد، نویسنده در موارد متعدد از داروهای ناشی از اعضا، اندام و فراورده‌های حیوانی بحث کرده است. کتاب از نظر جانورشناسی و دامپزشکی متکی بر برخی تجربیات علمی است. به هر حال این کتاب از منابع ایرانی، یونانی و رسالات حیوان‌شناسی ارسطو و غیره که از طریق ترجمه، وارد زبان عربی شد، استفاده کرده است. جاحظ به عنوان ادیبی که حیوان را وسیله بیان مطلب خود قرار داده، مقلدانی یافت که از آن جمله‌اند، دمیری مؤلف حیات الحیوان و زکریای قزوینی مؤلف عجایب‌المخلوقات (رک: همان، ۱۹۸-۱۹۷).

از زکریا بن محمد بن محمود قزوینی^۳ (۶۸-۶۰۰ق) دو کتاب معتبر باقی است. یکی عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات که مربوط به تاریخ طبیعی یا دانش کائنات است و دیگری آثار البلاد و اخبار العباد درباره جغرافیا. این دو کتاب مجموعاً دائرة المعارفی را درباره جهان و موجودات آن، شهرها و آثار آنها تشکیل می‌دهد. زکریای قزوینی از دانشمندان بزرگ در تاریخ طبیعی و حیوان‌شناسی و جغرافیاست که کارهای او یادآور «پلینوس» Pelinus دانشمند بزرگ قرن اول میلادی است. عجایب المخلوقات که نسخه عربی و فارسی آن موجود است، حاوی اطلاعاتی درباره حقیقت افلاک، ستاره شناسی، اقلیم شناسی، زمین شناسی، آب شناسی، معدن شناسی، گیاه شناسی، انسان شناسی و حیوان شناسی و نیز همه اطلاعات پیشینیان در تاریخ طبیعی است.

عجایب المخلوقات از جنبه جانورشناسی، هم حاوی مطالب علمی و هم خرافی است. نوع سوم این کتاب در هفت قسمت، حیوانات مختلف؛ از جمله انسان را مورد بحث قرار می‌دهد. سپس برخی از موضوعات از قبیل کیمیا، علوم غریبه و دفع حیوانات مودی را شرح می‌دهد. در میان آبزیان؛ بویژه از ماهیان دریای فارس سخن گفته و به سه نوع ماهی شور، حراف و پرستو و مهاجرت آنها توجه دارد. در میان دواب، اسب را از بسیاری جهات مورد دقت قرار داده، با خر مقایسه می‌کند. علاوه برین، از خواص درمانی و جادویی اندام‌های اسب نیز سخن می‌گوید. سپس از خر، رفتار و خواص اجزای بدن آن مطالبی می‌گوید. در باب گاو و گوسفند و شتر بحث مفصلی دارد. انواع طیور اهلی، وحشی و انواع حیوانات وحشی از مباحث دیگر عجایب المخلوقات است. فصل مربوط به حشرات و بندپایان و حیوانات گزنده عجایب المخلوقات از مباحث جالب این کتاب است. عجایب المخلوقات فارسی در سال ۱۲۸۳ق همراه با تصاویری که با دست رنگ آمیزی شده بود، در تهران چاپ سنگی شده. متن عربی این کتاب نیز در حاشیه حیات الحيوان در سال ۱۳۰۹ق در بیروت به چاپ رسیده است. در کتابخانه ملی پاریس نیز کتابی مصور به نام عجایب المخلوقات وجود دارد که نویسنده آن احمد مروی است. شیخ فخرالدین حمزه بن علی ملک طوسی اسفراینی متخلص به آذری، از مشاهیر مشایخ قرن نهم هجری (م ۸۶۶ق در اسفراین) کتابی به شعر فارسی به نام عجایب الغرایب سروده است. شیخ درین منظومه که با زبانی ساده بیان شده از عجایب المخلوقات قزوینی و برخی کتاب‌های دیگر بهره گرفته است.

زکریای قزوینی آثار البلاد و اخبار العباد را در دانش جغرافیا به زبان عربی نوشت و در آن به حیوانات نقاط مختلف و نکاتی از دامپزشکی نیز اشاره کرده است.

فهرستی از برخی کتب جانورشناسی به ترتیب تاریخی

از دیگر کتب جانورشناسی به ترتیب تاریخ نگارش آنها می‌توان به تألیفات فارابی و ابن طفیل اشاره کرد. فارابی در آراء اهل مدینه فاضله، از برخی جانوران؛ بویژه ماهیان و مرغان بحث کرده، در مورد چگونگی باروری آنها نکاتی را ذکر می‌کند. او از زیست شناسی (تشریح و فیزیولوژی حیوانی) در جهت اثبات نظریات دینی و فلسفی استفاده می‌کند (تاجبخش، ۱۳۷۹: ۲۵۷-۲۵۶).

ابوحاتم سجستانی ادیب و قاری بزرگ (۲۵۵ق) اهل سیستان، در نوشته‌های لغت شناسی خویش رساله‌هایی به نام الابل، الطیر، الوحوش، الحشرات، النحل و الذرع نگاشت که دمیری در حیات الحيوان برخی از آنها را مورد استفاده قرار داده است. ابو عبید جوزجانی یکی از مشهورترین شاگردان ابوعلی سینا کتاب الحيوان را به زبان فارسی نگاشت.

ابوعلی سینا هشتمین بخش از علوم طبیعی کتاب عظیم شفا را به جانوران اختصاص داده و از ماهیت عمومی، روان شناسی و فیزیولوژی آنها مفصلاً سخن گفته است. شفا را می‌توان مهم‌ترین تألیف نظری آن زمان در باب جانورشناسی محسوب داشت. درین کتاب سنت جانورشناسی ارسطو و جالینوس پی‌گیری شده است.

در رساله‌های هفتم و بیست و دوم اخوان الصفا نظریه تشریح و فیزیولوژی و بسیاری از دیگر نکات مربوط به حیوان شناسی بحث شده و مخصوصاً تطابق جانوران با محیط، مورد دقت قرار گرفته است. اخوان الصفا در خوگرفتن موجودات با محیط، قرن‌ها پیش از «لامارک» و «داروین» ابراز نظر کرده‌اند (همان، ۲۵۷). نیز می‌توان به طبایع الحیوان و خواصها و منافع اعضاها از ابوسعید عبدالله بن جبریل از خاندان بختیشوع (متوفی حدود ۴۵۰ق) اشاره کرد. این کتاب در سال ۶۹۸ق در مراغه به دستور غازان خان توسط عبدالهادی مراغی به فارسی ترجمه شد و نقاشان چیره دست مینیاتور حیوانات و پرندگان را در آن به دست دادند. درین کتاب از فیزیولوژی، تا حدی تشریح، اخلاق و عادات و زندگی حیوانات و داروهایی که از اندام‌های آنها به دست می‌آید، بحث شده است. در حال حاضر این نسخه ارزشمند به شماره ۵۰۰ در کتابخانه «پربونت» نیویورک نگهداری می‌شود. این نسخه اخیراً به کوشش محمد روشن توسط بنیاد موقوفات به چاپ رسیده است. از روی منافع الحیوان و لغت الحیوان ارسطو کتاب دیگری به نام نعت الحیوان و منافع نگاشته شده است.

شرف الزمان مروزی کتاب طبایع الحیوان را نگاشت و قلقشندی مصری (ف ۸۲۱) در صبح الاعشی بخش مهمی را به جانورشناسی اختصاص داد (همان، ۳۷۹). حیات الحیوان دمیری نیز در همین دوره نگاشته شد.

خاتمه جلد چهارم حبیب السیر تألیف غیاث الدین محمد بن جلال الدین، معروف به خواندمیر، از ادیبان و مورخان نامدار قرن دهم هجری به «بدایع و غرایب ربع مسکون» اختصاص دارد و در آن مطالبی از جغرافیا، اقلیم شناسی و همچنین حیوان شناسی ذکر شده است. از منابع این بخش، کتاب عجایب المخلوقات است.

در فاصله سده‌های هفتم تا دهم هجری نسخ خطی باارزشی در مورد حیوان شناسی و دامپزشکی در هند تألیف شد. به طور نمونه جهانگیر شاه کتاب جهانگیرنامه یا واقعات یا توزک جهانگیری را به زبان فارسی با نثری ساده در وقایع دوازده ساله اول سلطنت خود نگاشت. این کتاب از نظر وصف صفات قابل تغییر و تعلیم و تربیت پذیری حیوانات بسیار ارزشمند است. درین کتاب نکات جالبی در مورد شکار و بعضی از بیماری‌های مشترک انسان و حیوان نیز وجود دارد (تاجبخش، ۱۳۷۹: ۴۳۹-۴۳۸) مضممار دانش تألیف نظام‌الدین به درخواست شاه عباس نوشته شد و یکی از ارزنده‌ترین فرسنامه‌های ایران و جهان اسلام است. این کتاب در فرهنگ دامپزشکی ایران تأثیری بسزا داشته، بسیاری از فرسنامه‌های بعدی از آن الهام گرفته و بعضی بکلی آن را به یغما برده‌اند (همان، ۴۶۳).

وصف الخیل تألیف علامه ملا محسن فیض کاشانی، از برجسته‌ترین دانشمندان علوم دینی در قرن یازدهم هجری، با اتکا به احادیث نقل شده از ائمه بزرگوار شیعی، رساله‌ای در شرح اسبان نگاشته است.

در دوران قاجاریه چندین کتاب و رساله در زمینه پرورش و بیماری‌های اسب و مرغان شکاری و حیوان‌شناسی نگاشته شده که به جز یکی از آنها، بازنامه ناصری و تاحد بسیار کمی فرسنامه خوانساری باقی تکرار نوشته‌های کهن و از نوآموزی خالی است. پس از مشروطیت ترجمه برخی از مطالب دامپزشکی اروپایی جایگزین فرسنامه‌ها و بازنامه‌های ایرانی شد (همان، ۵۵۰).

اما مهم‌ترین اثر جانورشناسی دنیای اسلام حیات الحیوان دمیری است که به بررسی آن خواهیم پرداخت.

شرح حال دمیری

محمد بن موسی بن عیسی بن علی الکمال ابوالبقاء دمیری الاصل، در قاهره به مذهب شافعی می‌زیست. اصل او از روستای دمیره (به فتح اول و کسرثانی) بود. با وجود وضوح در شکل کلمه دمیره، در اسم منسوب به آن اختلاف

هست، طاش کپری زاده واژه دمیری را به کسردال و میم ذکر کرده، حال آنکه برخی آن را اسم تصغیر به ضم اول و فتح ثانی انگاشته‌اند. با این همه به نظر می‌رسد، ضبط دمیری به فتح دال و کسر میم بر دیگر ضبطها رجحان داشته است (العزی، ۱۴۰: ۱۳۶۴). نام اصلی اش کمال، و به خط خود در کتاب‌هایش همین نام را امضا می‌کرد، بعدها محمد نامیده شد؛ که گویی نوعی تزکیه درون را با کنارگذاشتن اسم حقیقی خود آغاز کرده بود.

وی به سال ۷۴۲ هجری در قاهره زاده شد. ابتدا از راه خیاطی امرار معاش می‌کرد. سپس در جستجوی دانش برآمد. جامع ترندی را نزد مظفرالدین عطار مصری و نیز علی بن احمد عرضی دمشقی و عبدالرحمن بن علی ثعلبی استماع کرد. همچنین کتاب الخیل تألیف حافظ شرف الدین میاطی و کتاب العلم برهبی را نزد محمد بن علی خزاوی در قاهره آموخت. از دیگر استادان وی می‌توان از جمال محمد بن احمد بن عبدالمعطی، کمال الدین محمد بن عمر بن حبیب حلب، بهاءالدین احمد بن شیخ تقی الدین سبکی، ابوالفضل کمال الدین نویری، عبدالرحیم اسنایی و برهان الدین قیراطی، نام برد (دمیری، ۱۴۲۴، مقدمه).

پس از مدتی خود حلقه درسی در دانشگاه الازهر، خانقاه بیبرسیه قاهره به دست آورد. نیز مدتی را در مکه مکرمه مشغول تدریس و فتوا شد و شش بار حج گزارد و همانجا ازدواج کرد. در نهایت به قاهره بازگشت و در سال ۸۰۸ هـ.ق. درگذشت در مقابر اهل تصوف به خاک سپرده شد (العزی، ۱۴۰: ۱۳۶۴).

تألیفات

دمیری در تفسیر و حدیث، فقه و اصول و ادبیات عرب دارای تألیفاتی است، از جمله ۱. الدیباچه، فی شرح سنن ابن ماجه، در پنج جلد ۲. النجم الوهاج فی شرح المنهاج تألیف نوادی، ۳. حیات الحيوان الکبری، که تقی الفاسی در سال ۸۲۲ آن را مختصر کرد ۴. ارجوزه فی الفقه ۵. التذکره ۶. شعر و نظم ۷. مختصر شرح لامیه العجم از صفدی ۸. حیات الحيوان

روش دمیری در تألیف حیات الحيوان

مهم‌ترین اثر دمیری که نام او را در تاریخ نگارش‌های عربی ماندگار کرد، حیات الحيوان است. با این همه کسی ازین استاد سرحلقه زهاد الازهر تألیف حیات الحيوان را درخواست نکرده بود؛ بلکه آنچنان که خود در دیباچه کتاب با نثری مسجع می‌گوید، وجود نام حیوانات در برخی دروس، آیات و احادیث، اشعار، امثال و حکم او را برین امر واداشت (دمیری، ۲). دمیری حیات الحيوان الکبری را به سال ۷۳۳ به زبان عربی نگاشت و بعدها خلاصه‌ای از آن با نام «حاوی الحسان من حیات الحيوان» تألیف کرد (بلاچ: ۱۷۳). او کتاب را با سیاقی منظم، طبق حروف معجمه مرتب ساخت. کتاب دارای نثری مرسل و گاه مسجع است. وی درین اثر به ذکر نام ۱۰۶۸ حیوانی که اسامی آنها را شنید و یا آنها را در کتب قدیم یونان، عرب و نیز آثار دامپزشکی و جانورشناسی نزدیک به عصر خود نظیر آثار ارسطو، ابن سینا، زکریای رازی، ابن بختیشوع و ابن زهیر یافته، می‌پردازد. بنا به گفته خودش در تألیف کتاب از ۵۶۰ کتاب و ۱۹۹ دیوان شعر استفاده کرده است. وی این مطالب را تنقیح نموده و آنچه را که به نظرش غیرقابل قبول بوده به کنار می‌نهد و بدآنچه اجماع علما برآن واقع شده، اقرار می‌کند. با وجود احتیاط فراوان در نقل روایات، مطالب شگفت‌آور فراوانی را در کتاب باقی و صحت مضمون آنها را به عهده خود راوی گذارده است. از این رو تمام گزارشها و روایات این کتاب، با اسناد آنها به راویانشان مورد تأیید قرار می‌گیرند. در مواردی هم که اشتباهی رخ داده باشد با بی‌طرفی آن اشتباه را یادآوری می‌کند.

اما روش مؤلف در ارائه اطلاعات به این گونه است: بعد از آنکه نام حیوان را به صورت کامل و دقیق ضبط، کنیه و سپس

ریشه لغوی آن را معرفی می‌کند، گاه اختلاف روایات در ضبط اسم یا مترادف نام حیوان را می‌آورد، گاه نیز به توصیف مختصر یا مفصل از حیوان پرداخته و سپس اخبار و روایات مربوط به طبیعت و سرشت آن حیوان را یادآور می‌شود. در بخش روایات دسته‌ای از احادیث شریف نبوی و آیات قرآنی و پس از آن اشعار و امثال و حکم متناسب با موضوع را گردآورده است. در ادامه نظریات فقها را درباره حیوان مورد نظر از جهت حلیت و حرمت خوردن آن یادآور شده و در پایان به بیان فواید و مضار طبیی گوشت آن حیوان و غیره پرداخته است. آنگاه به خواص الحیوان و ذکر منافع و مضار حیوان و اجزای بدن او می‌پردازد. درنهایت به ضرب امثال مرتبط با جانور و تعبیر دیدن حیوان در خواب اشارت می‌کند.

این کتاب به منزله کتابی مختصر درباره تاریخ خلفاء راشدین و بنی‌امیه در دمشق و بنی‌عباس و فاطمیان و بنی‌ایوب نیز محسوب می‌شود. دمیری در جلد اول کتاب حیات الحیوان الکبری تحت عنوان فایده اجنبه به ذکر تاریخ خلفا و سلاطین مذکور می‌پردازد. دلیل اینکه مؤلف در کتابی این چنین به ذکر تاریخ ایشان پرداخته، این است که می‌خواهد ثابت کند هر فرد ششمی که عهده‌دار امر خلافت و حکومت شده است، به مرگ طبیعی نمرده، بلکه به قتل رسیده است. ویژگی دیگر این کتاب جنبه طبیی و پزشکی آن است؛ چراکه در آن به بیان منافع و مضار گوشت برخی حیوانات پرداخته و از این جهت قابل توجه است.

نیز نقل اعتقادات عامه در کتاب، اثر را مبدل به یکی از منابع موثق تحقیق در باب فولکلور عرب کرده است.

چاپ‌های کتاب

۱. چاپ‌های بولاق در ۲ جلد به سالهای ۱۲۷۵؛ ۱۲۸۴؛ ۱۲۹۲ هـ.ق. به اهتمام شیخ محمد قطه العدوی
۲. چاپ امیریه در سال ۱۲۸۴ به اهتمام شیخ محمد الصباغ
۳. چاپ میمونیه در سال ۱۳۰۵ در حاشیه طبع، عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات قزوینی نیز چاپ شد.
۴. به سال ۱۳۵۳ هـ.ق نشر صبیح در قاهره کتاب را براساس نسخه بولاق امیریه به چاپ رساند (العزی، ۱۳۶۴: ۱۴۹).
۵. چاپ ایران در ۲ جلد در سال ۱۲۸۵ هجری به صورت مصور. از روی همین طبع، حیات الحیوان به زبان‌های انگلیسی توسط جایاکار و فرانسوی برگردانده شد (رک: به بخش ترجمه‌های لاتین حیات الحیوان در مقاله حاضر)
۶. چاپ بیروت در ۳ جلد توسط دارالکتب العلمیه (دمیری، ۱۴۲۴، مقدمه کتاب)

منتخب‌ها و ترجمه‌های حیات الحیوان

الحیوان جاحظ و حیات الحیوان دمیری بارها استنساخ، به زبان‌های گوناگون ترجمه شده‌اند و از آنها ذیل، منتخب و مختصر ترتیب داده شده است. حیات الحیوان دمیری خود نیز دارای سه صورت کبری، وسطی و صغری بوده است. برخی ازین آثار برین قراراند:

ذیل‌ها، منتخبات و مختصرهای حیات الحیوان

برخی گزیده‌های کتاب حیات الحیوان به زبان عربی به اجمال عبارت‌اند از: مختصر «دمامینی» (۸۲۸ق)، «فاسی» (۸۳۲ق) (از شاگردان دمیری)، «قاضی شیبی» (۸۳۷ق)، «سیوطی» (۹۱۱ق). (دایرة المعارف تشیع، ذیل الحیوان، ج ۶ ص ۶۰۷) حاجی خلیفه پنج خلاصه و دو ذیل از حیات الحیوان به زبان عربی در بخش علم الحیوان برمی‌شمرد:

مختصر شیخ شمس الدین محمد بن ابی‌بکر دمامینی، صاحب شرح معروف بر مغنی اللیب و از شاگردان دمیری که حیات الحيوان را به مشافهه از استاد شنیده بوده، (العزی، ۱۳۶۴: ۱۴۳) با این عبارت آغاز شده است: «الحمد لله الذی اوجد بفضلہ حیات الحيوان» و در آن گفته شده که کتاب دمیری جامع احکام شرعی اخبار نبوی و مواعظ مفید و فواید فراوان و ضرب امثال و ابیات نادر و ویژگی‌های عجیب و شگفتی‌های غریب است. ولی در برخی جاها دارای اطالۀ کلام و اطناب ممل می‌شود. مؤلف این کتاب را عین الحیات نامید و در شعبان سال ۸۲۳ هجری کتاب را کامل و به امیر احمدشاه بن مظفر شاه از پادشاهان هند اهدا کرد.

مختصر عمر بن یونس بن عمر حنفی، چنین آغاز شده است: «الحمد لله الذی یسر للانسان منافع الحيوان...» درین کتاب مؤلف به خواص حیوانات و معنای لغوی کفایت کرده و بر آنها شگفتی‌های تازه و بکر را نیز اضافه کرده است. اما رشته کلام ازدستش خارج نشده است (حاجی خلیفه، ۱۲۷۴: ۷۵۵). دست نوشته‌هایی ازین کتاب در کتابخانه مرعشی قم با شماره ۱۱۲۲۴/۱۹ نیز در توپقاپوسرای و خزانه ملکیه در رباط (العزی، ۱۳۶۴: ۱۴۳) موجود است (العزی، ۱۴۳).

دیگری مختصر شیخ تقی‌الدین محمد بن احمد فاسی متوفی سال ۸۳۲ است. سخاوی درباب اصل کتاب دمیری می‌گوید: «با وجود اینکه زیاد از اصل مطلب منحرف می‌شود؛ ولی کتاب، کتاب خوبی است و گمان می‌کنم که در آن مجهولات فراوانی است و فاسی در مختصر خود کتاب را از همه اینها پیراسته و بر نکات مهم انگشت گذارده است» (حاجی خلیفه، ۱۲۷۴: ۷۵۵). دیگری مختصر علی القاری از ساکنان مکۀ مکرمه متوفی سال ۱۰۱۶ هجری قمری که آن را «بهجة الانسان فی مهجة الحيوان» نامید و آغاز آن به این عبارت است: «الحمد لله الذی کرم نوع الانسان...» او این کتاب را در مکه به سال ۱۰۳۱ ق تالیف کرد.

مختصر شیخ جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی متوفی سال ۹۱۱ هـ ق، آغاز آن چنین است: «الحمد لله خالق الحيوان» و در آن ذکر شده است که مؤلف از حشویات کتاب بخش‌های زیادی را حذف کرده و دو موضوع بر آن افزوده است؛ یکی افزودن فواید حیوانات و دیگری آنچه که درباب حیوانات از کتب لغت فوت شده است و با عبارت «قلت» در آغاز بحث آن را از مطالب ترجمه مشخص کرده. سیوطی کتاب را دیوان الحيوان نامیده و بخش دوم آن را که به ترتیب الفبا تنظیم شده ذیل الحيوان خوانده. مؤلف اثر خود را در سال ۹۰۱ به پایان برد (حاجی خلیفه، ۱۲۷۴: ۷۵۵). نیز ذیل حیات الحيوان از قاضی جمال‌الدین محمد بن علی بن محمد شیبی مکّی متوفی سال ۸۳۷ است که آن را طیب الحیات نامید (همان). نیز هم مختصر «کتاب الحيوان» ابن قاضی شبهه (۷۹۸-۸۷۴) که نسخه‌ای از آن در کتابخانه بودلیان دانشگاه آکسفورد موجود است. هم می‌توان به کتاب «المتقط من عجایب المخلوقات و حیات الحيوان» از محمد بن عبدالکریم صفدی اشاره کرد که آن را به سال ۸۹۶ نگاشت.

مختصری نیز با عنوان «حاوی الحسان من حیات الحيوان» از محمد بن عبدالقادر بن محمد الدمیری نگاشته به سال ۱۰۶۳ در کتابخانه عباسی مصر موجود است و برخی از جمله زرکلی را به گمان انداخته که کتاب از آن خود دمیری است (العزی، ۱۳۶۴: ۱۴۴-۱۴۳).

جز اینها، چهار چکیده و گزیده دیگر از حیات الحيوان به زبان عربی نیز در فهرستواره دست نوشت‌های ایران، ثبت شده است که عبارت انداز:

منتخبی از حیات الحيوان، توسط محمد بن جلال طیب در قرن یازدهم هجری به زبان عربی ترتیب داده شده. نسخه‌ای ازین کتاب، در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، به شماره ۷۸/۹ موجود است.

نیز در همین قرن مصطفی بن محمد منتخبی از حیات الحيوان ترتیب داده که نسخه‌ای از آن در خوی، کتابخانه نمازی

به شماره ۴۹۰ و نیز در قم مرکز احیاء میراث اسلامی به شماره ۸۳۳ موجود است.

دیگری منتخب من خواص الحيوان، به زبان عربی است که درین انتخاب بیشتر مطالب تاریخی حیات الحيوان دمیری را که مربوط به خلفای راشدین و بعضی خلفای امویان و عباسیان است گزیده و مطالب متعلق به حیوانات را که کمال الدین دمیری در کتاب خود آورده ذکر نمی‌کند. دست‌نوشته این اثر در تهران، مدرسه سپهسالار، به شماره ۵-۶۶۳ یافت می‌شود (درایتی، مصطفی، ۱۳۸۹: ۸۰۸/۴).

در نهایت مستحدث ترین گزیده از کتاب حیات الحيوان المختار من حیات الحيوان از محمد حاذق است که به سال ۱۹۵۸ میلادی در قاهره به طبع رسیده (العزی، ۱۳۶۴: ۱۴۴).

ترجمه‌های حیات الحيوان به فارسی

اشتهار کتاب حیات الحيوان جهان اسلام را درنور دیده به اروپا نیز رسیده، ازین روی به زبان های شرقی و غربی گوناگون ترجمه شده است. از میان زبان‌های مختلف به گمان ما ترجمه‌های فارسی کتاب تعدد و تنوع بیشتری دارند؛ متأسفانه تاکنون هیچ یک از ترجمه‌های فارسی حیات الحيوان تصحیح و چاپ نشده؛ باین همه نسخ متعددی از این ترجمه‌ها در کتابخانه‌ها موجودند.

۱. حیات الانسان

نخست حکیم شاه محمد بن مبارک قزوینی (ف ۹۶۶ق) از مشاهیر پزشکان اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری شاگرد علامه دوانی است، حیات الحيوان دمیری را با عنوان «حیات الانسان» ترجمه کرده و بعضی مطالب نیز بر آن افزوده است. حکیم شاه محمد نسخه مترجم خود را ازین کتاب حیات الانسان نام داد و گفت «نام این ترجمه حیات الانسان است؛ زیرا که معرفت او سبب حیات ابدی انسانست» او ترجمه خود را بنا به گفته حاجی خلیفه به سلطان سلیم خان بن سلطان بایزید خان بن سلطان محمد خان معروف به فاتح اعظم عثمانی تقدیم کرد. در دایرة المعارف تشیع (دایرة المعارف تشیع، ذیل الحيوان، ج ۶ ص ۶۰۷) و نیز دانشنامه ایرانیکا (ایرانیکا ذیل damiri, mohammad) هم به نظر می‌رسد، به اقتضای کشف الظنون همین گونه آمده است. اما ذبیح الله صفا بر آن است که ترجمه او به نام سلطان سلیمان خان بن سلطان سلیم مصدر است (صفا، ۵: ۱۶۴۴) و نه آنچنان که حاجی خلیفه گفته به سلطان سلیم خان القدیم که مقصودش سلطان سلیم اول بوده است.

نسخه‌ای ازین ترجمه در مدرسه سپهسالار به شماره ۳۲۷۰ در ۳۴۱ برگ موجود است (درایتی، مصطفی، ۱۳۸۹: ۸۱۰/۴). نیز نسخه‌ای از آن به شماره suppl.333 و به شماره فهرست ۸۱۶ در کتابخانه ملی پاریس موجودست که به تاریخ ۹۳۳ هـ یعنی در حیات مترجم به دست ابراهیم بن علی شربتی در استانبول استنساخ گردید (صفا، ۵: ۱۶۴۴) به نظر می‌رسد، محمد روشن این اثر را از روی همین دست نوشته تصحیح کرده و هم اکنون کتاب زیر چاپ است.

شرح حال مترجم: در سه اثر، کم و بیش اشاره‌ای به تاریخ زندگانی حکیم شاه محمد قزوینی شده است:

نخست: کتاب الشقائق النعمانية فی علماء الدولة العثمانية تألیف طاش کبری زاده (ج اول ص ۳۷۱-۳۷۲)

دوم: کتاب کشف الظنون تألیف حاجی خلیفه.

سوم: قاموس الاعلام شمس الدین سامی (ج ۳).

در دارالشقائق نعمانية آمده است که او طب و دیگر علوم را از علامه جلال الدین دوانی آموخت؛ سپس به مکه مکرمه مسافرت کرد و در آنجا مدتی مجاور خانه خدا بود. سپس نزد بایزید خان به عنوان طبیب فراخوانده شد و روزانه

۱۲۰ درهم برای او معین شد. هنگامی هم که سلطان سلیم خان بر تخت نشست همواره ملازم و مقرب او بود و به درجات بالا رسید. در روزگار سلیمان خان نیز وفات کرد. بدین ترتیب حکیم شاه محمد زمان سه سلطان؛ یعنی بایزید و سلیم و سلیمان را متوالیا درک کرده است و ظاهراً از ندما و نزدیکان دو سلطان اخیر بوده است و در آن کتاب همه جا آنان را به ادب و احترام یاد نموده و اشاره به نزدیکی خود با آنها کرده است.

آثار او فراوان بوده‌اند، اما بهترین آنها تفسیر قرآن عظیم، کتاب ربط السور و الايات، حاشیه بر تهافت المولى خواجه زاده و حاشیه بر شرح عقاید العضديه از علامه دوانی، و شرح الایساغوجی و شرح الموجز در طب و ترجمه نفایس الفنون به فارسی نیز ترجمه حیات الحيوان دمیری به فارسی است (نوایی، ۱۳۶۳: پیشگفتار، لب).

اما در قاموس الاعلام آمده است که حکیم شاه محمد ذیلی به تذکرة الشعرا امیرعلیشیر نوایی نوشته، حیات الحيوان را به ترکی ترجمه کرده است (با کلام صاحب‌الشفایق اختلاف دارد) او یکی از سه مترجم مجالس النفائس امیرعلی شیر نوایی نیز می‌باشد (همان).

۲. خواص الحيوان تبریزی

دودیدگر میرزا محمد تقی بن خواجه محمد تبریزی، متوفی ۱۱۲۰ (رک: کحاله، ۹: ۱۲۶) آن ترجمه را برای میرزا محمد ابراهیم بن صدرالدین محمد در عهد شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ قمری) نوشته و خواص الحيوان نامیده است. (دایرة المعارف تشیع، ذیل الحيوان، ۶: ۶۰۷) مؤلف، شیعی مذهب و صاحب «رساله فی محاسبه النفس» بوده و آقابرگ تهرانی در الذریعه به کتاب او اشاره کرده است (الذریعه، ۷/ ۲۷۲).

معرفی کتاب

میرزا محمد تقی تبریزی کتاب حیات الحيوان دمیری را ترجمه و بسیار مختصر، پس معادل فارسی و سپس ترکی هر واژه را ذکر و منافع و مضار هر حیوان را بیان کرده است: «بهتر آنکه این کتاب را اختصاری یابد ترجمه آن به فارسی اول اسم عربی پس نام فارسی و ترکی و خواص و منافع و مضار و تعبیر هر حیوانی بیان شود» (تبریزی، چاپ سنگی، ص ۲) نویسنده می‌گوید: «بزمان شاه‌عباس ثانی روزی در مجلس ابن‌صدر محمد میرزا محمد ابراهیم سخن از حیات‌الحيوان رفت و بر اثر تشویق او دستور یافتم که این کتاب را بفارسی برگردانم من با قلت بضاعت دست به ترجمه زدم و ترجمه حاضر را که در بیست و هشت باب است، به ترتیب حروف تهجی مبوب ساختم و در هر باب سه فصل بیان نمودم فصل اول: در اسامی که مفاتیح آن مفتوح است؛ فصل ثانی: در آنچه اوایل آن مکسور است؛ فصل ثالث: در آنچه مبادی آن مضموم است» (تبریزی، چاپ سنگی، صفحه نخست).

ترتیب خواص الحيوان تبریزی با ترجمه فاوجی و علامی که پس از این بدان اشاره خواهیم کرد، اندکی متفاوت است. ترجمه فوق به ترتیب حروف تهجی و حرکات فتحه و کسره و ضمه تبویب شده است. در حالی که ترجمه علامی و فاوجی بر اساس متن کتاب دمیری است.

نسخه‌ها

به نظر می‌رسد، این ترجمه به نسبت دیگر ترجمه‌ها روایی بیشتری داشته، حدود چهل نسخه ازین کتاب در کتابخانه‌های سراسر ایران یافت می‌شود (درایتی، مصطفی، ۱۳۸۹: ۸۱۰-۸۱۱). آغاز نسخه: «بسمله، حمد بیحد و ثنای بیعد خداوندی را سزد که مشکواه (کذافی السنخه) بیان حیوان را به چراغ جان بر افروخت» و انجام نسخه: «الحمدلله

الذی و فقنا علی الاتمام و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین بالتمام.

از جمله در تهران: مدرسه سپهسالار با شماره ۳۲۷۵، کتابخانه ملی ۱/ ۲۸۹۳، نیز ۲۰۱۹، مجلس شورای اسلامی، ش: ۲۱۷۱ و در مشهد، کتابخانه امام هادی ش: ۱۶؛ آستان قدس رضوی، ش ۲۲۶۲۷؛

چاپ سنگی این کتاب نیز به سال ۱۲۷۹ قمری، به خط محمد باقر بن محمد حسن انصاری فراهم آمده است.^۴

۳. صفات الحیوان

منصور بن (تاریخ پزشکی: ابراهیم) حسن ملقب به غیاث بن علاء دینی ایجی شبانکاری حیات الحیوان را در حدود ۹۳۰ قمری با عنوان صفات الحیوان به فارسی ترجمه کرده، مطالبی بر آن افزود (دایرة المعارف تشیع، ذیل الحیوان، ۶/ ۶۰۷) این کتاب از نظر ترتیب، با حیات الحیوان متفاوت است. آنچنان که نخست با انسان آغاز، سپس به ابل، ابابیل، ارنب، اسد و... پرداخته می شود. حال آنکه ترتیب اثر دمیری از اسد آغاز می شود. نیز با ترجمه محمدتقی تبریزی تفاوت هایی دارد. به نظر می رسد مترجم مطالبی را حذف کرده و مباحثی از قبیل خواص و خصایص و عمر طبیعی بدان افزوده است (مهری، ۵۸).

نسخه‌ها

از این کتاب، در کتابخانه ملی سه نسخه، به شماره ۲۲۰۱ و دیگری به شماره ۲۶۵۹، نیز نسخه‌ای به خط میرزا وصالی، به شماره ۲۴۷ نگهداری می شود که توسط میرزا در ساری مازندران استنساخ شده است و چنین آغاز شده است: «بعد البسملة. حمد بیحد حکیمی را سزد که بخاری لطیف را سبب حیوه حیوان ساخت و شکر یبعد دانائی را سزاوار است که ترکیب بدن جانوران را از اخلاط عناصر اربعه پرداخت.» خاتمه آن نیز با این عبارات است: «چون ابتداء این کتاب ذکر آدم شد که ابوالکل است و انتها و ختم کتاب هم بنام پیغمبری و ذکر وی شد» نسخه‌ای نیز در دانشگاه تهران با شماره ۱۹۶۸- ف و دانشکده علوم پزشکی تهران به شماره ۹۹، و کتابخانه ملک به شماره ۲۹۴۵ به خط ابوالقاسم بن ملاعلی ایزی النجانی و در قم کتابخانه آیه الله مرعشی به شماره ۲۶۴۰ موجود است (درایتی، مصطفی، ۱۳۸۹، ج ۷: ۱۴۱). در این کتاب اشارت رفته است که ارسطو و جاحظ کتابی درباره جانورشناسی نوشته‌اند و ابوعبیده اندلسی در سال چهار صد قمری کتاب حیوان جاحظ را مختصر کرده و مقاله خواب را به آن افزوده و آن را روح الحیوان نام گذارده است؛ بعدها دمیری از این کتاب و جامع ابن بیطار و عجائب المخلوقات و بعضی کتب دیگر مطالبی گرد کرده و کتابی بنام حیات الحیوان فراهم آورده و سپس منصور بن حسن بن ابراهیم آن را به نام صفات الحیوان ترجمه کرده است.

۴. ترجمه حیات الحیوان با مقدمه علی بن محمد هارون هروی

ترجمه حیات الحیوان با مقدمه علی بن محمد هارون هروی در سال ۱۲۴۹ هجری قمری برای خسروخان والی کردستان و آذربایجان به یاری دو تن دیگر با نام های ملا محمد سعید بن ملا سلیم علامی و عبدالحمید فاوجی نوشته شد. «خسروخان پسر امان الله خان والی کردستان و داماد فتحعلیشاه بوده که پس از درگذشت امان الله خان در سال ۱۲۴۰ به جای پدر خود والی کردستان شد و در تاریخ پنجم ذی الحجه به سال ۱۲۷۳ درگذشت» (بامداد، ۱۳۴۷: ج ۱، ص ۴۷۸). از پیشگفتار کتاب برمی آید که علی بن هارون تالیفات دیگری از جمله بحرال المعارف هم داشته است، نیز شعر هم می سروده: «مؤلف هروی در کتاب بحرال المعارف که تألیف اول است مسلم حالات خجسته خسروی را برشته نظم و نثر کشیده» (صفحه ۱ از نسخه خطی کتابخانه شخصی)

نسخه‌ها

ازین ترجمه نسخه‌ای در مشهد، کتابخانه آستان قدس رضوی، ش: ۵۷۹۵ و در تهران، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش: ۲۳۱۵ به خط آقابابا پسر ملا محمد مهدی شاه میرزادی برای بهاء الدوله، نیز در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش: ۱۲۴۰ و در قم کتابخانه آیه الله مرعشی ش: ۳۵۸۰ موجود است. نسخه‌ای ازین کتاب نیز در کتابخانه شخصی نگارنده نگاهداری می شود.

در واقع این ترجمه نخست توسط ملا محمد سعید بن ملا سلیم علامی و سپس عبدالحمید فاوجی ترتیب یافته و علی بن محمد هارون هروی تنها مقدمه‌ای بر کتاب افزوده است. آن چنان که علی بن هارون هروی خود در دیباچه گوید: «دو نفر از علمای آگاه که مجمع مجموع معالم‌اند و مصدر معلوم عوالم مقرر و مامور ساخته که جهت انتشار منافع و مآثر این طومار جامع ترجمه نافع نویسند نخستین عالیجناب مبادی آداب ملا عبدالحمید فاوجی است که اوراق چندی از این کتاب نوشته در گذشت و آخرین علامی ملا محمد حفید (پسر) مرحوم ملا سلیم است که باتمام این شغل خطیر مؤید گشته است» (نسخه کتابخانه شخصی، ۲). اما بیشتر آن را ترجمه علی بن محمد هارون هروی پنداشته‌اند؛ آن چنان که در دایرة المعارف تشیع ترجمه مذکور منسوب به علی بن محمد هروی است (دایرة المعارف تشیع، ذیل الحيوان، ج ۶، ۶۰۷). نیز در فهرست نسخ خطی هم عموماً این ترجمه به نام علی بن هارون هروی ضبط شده است. در فهرستواره دست نوشته‌های ایران (دنا) ترجمه هروی مجزاً از ترجمه علامی پنداشته شده و یک بار به نام هروی و بار دیگر به نام علامی در نظر گرفته شده است (درایتی، مصطفی، ۱۳۸۹: ۸۱۲). حال آنکه این دو ترجمه در واقع یکی هستند و می بایست به نام علامی و فاوجی با مقدمه علی بن هارون هروی، ثبت می شد.

چنانکه علی بن محمد هروی در پیشگفتار خود گوید: «پس از نگارش مدح و نعت احمدی مؤلف این رقم علی بن محمد الهروی ملتزم تحریر عنوان دلپذیر نسخه ایست که محتوای بر جمیع حقایق آفرینش و دقائق دانش و بینش که قبل از این منتظم گشته و قرنهای گذشته که احدی از ثقات اسلام باین مهم که اهم مهام دین است، اقدام نکرده و ملهم نشده که آنرا از لغات تازی و عبارات عربی بالالفاظ مناسب بفارسی ترجمه نویسد تا عامه طبقات عجم از فیض عامش بی بهره نصیب نمانند و هر یک بمقدار دانش و فرصت از فقرات آن کتاب که نسخه انتخاب عمل است بهر ستانند» (نسخه کتابخانه شخصی، ۲). از آنچه آمد روشن می شود که یا علی بن محمد هروی از وجود دیگر تراجم ناآگاه بوده و یا ترجمه پیش رو از جهاتی تازگی داشته است. آنچنان که گفته آمد، سه ترجمه مسبق الذکر، از نظر ترتیب و نیز اضافات و اختصارات با کتاب حیات الحيوان تفاوت هایی دارند، حال آنکه تا آنجا که راقم این سطور بررسییده است، تفاوتی میان اصل و ترجمه مذکور نیافته و به نظر می رسد، در میان ترجمه‌های موجود، این اثر به متن عربی بیشتر وفادار بوده است و مترجمان مسبق الذکر درحالی که موفق به برگردان کاملی از حیات الحيوان دمیری شده اند، جانب امانت را بیش از دیگران نگاه داشته اند.

۵. خواص الحيوان حزين لاهیجی

در دایرة المعارف تشیع در کنار دیگر کتب تراجم حیات الحيوان یک خواص الحيوان هم به فارسی ذکر شده، تألیف شیخ محمد علی بن ابی طالب زاهدی حزين گیلانی لاهیجی معروف و صاحب فرسنامه که غیر از کتاب التذکره فی علم البزدره هموست (دایرة المعارف تشیع، ذیل الحيوان، ۶/ ۶۰۷).

معرفی نویسنده

محمد علی بن ابی طالب بن عبدالله زاهدی لاهیجانی گیلانی معروف به محمد علی حزین از دانشمندان و شعرای بزرگ اواخر دوران صفویه در سال ۱۰۳۱ق در اصفهان زاده شد و علوم حکمت و طب را در اصفهان و شیراز و گیلان آموخت. وی کلیات قانون را از پزشک معروف حکیم مسیحا آموخت و در علوم و حکمت شاگرد شیخ عنایت الله گیلانی و سید حسن طالقانی بود. حزین در سال ۱۱۴۳ق که محمود افغان وارد اصفهان شد در آن شهر بود. وی پس از مرگ برادران و بستگانش از آن شهر گریخت. مدتی در خرّم آباد و کرمانشاه زیست و سپس در سال ۱۱۵۱ق به زیارت کعبه شتافت. از آنجا به مشهد و کرمان آمد و در سال ۱۱۴۶ از ترس نادرشاه رهسپار هندوستان شد و در سند و مولتان مسکن گزید. وی در سال ۱۱۵۴ تاریخ و سفرنامه خود را نگاشت که از منابع اصلی محاصره اصفهان و تسلط افغانان است. سرانجام در سال ۱۱۸۰ق در شهر بنارس هندوستان درگذشت. حزین شاعر بزرگی است که دیوان اشعار او معروف خاص و عام می باشد. از تالیفات او رساله امامت، شرح تجرید، تذکره المعاصرین، مفرّج القلوب در طب، خواص الحیوان و فرسنامه را می توان ذکر کرد (تاجبخش، ۱۳۷۹: ۴۷۰).

نسخه های کتاب

نسخه ای ازین کتاب در قسمت سوم مجموعه ۲۳۵۶۲ کتابخانه موزه بریتانیا (بریتیش میوزیوم) موجود است.

معرفی کتاب

رساله در ۴۵ صفحه شامل یک مقدمه، سه باب و یک خاتمه است. درین رساله ابتدا در مورد حیوانات و پرندگان شکاری و حلال و حرام بودن آنها از نظر فقه شیعه و سایر مذاهب اسلام بحث کرده و درین حال به خواص طبی آنان اشاره ای دارد. درباب دوم کیفیت حصول حیوانات و حقیقت آن را بیان نموده یا به عبارتی جماد و گیاه و نبات را از نظر فلسفی مورد بحث قرار می دهد. در مقدمه خواص الحیوان آمده است: «سپاس بی قیاس که مدارک اوهام از استقصای اصولش قاصر... طراز این نامه همایون خامه مستمند فیض ازلی ابن ابیطالب جیلانی سطری چند در ذکر بعضی انواع حیوان و احکام و خواص آن می نگارد، مشتمل بر مقدمه و سه باب و خاتمه مبنی بر دو فصل....» در مورد پرستو گوید: «خطاف و به مذهب حنفی خلافت و نزد شافعی حرام، کباب مفتوح سدد و رافع سنگ مثانه و امراض سپرز و یرقانست،» (برگ ۸۰ مجموعه) این رساله از جنبه فقهی و فلسفی ارزشمند است و مطالب حیوان شناسی آن ترجمه خلاصه واری است، از برخی مطالب حیات الحیوان دمیری (تاجبخش، ۱۳۷۹: ۴۵۸) از قراین بر می آید که اثر حزین با کتاب دمیری تفاوت هایی دارد و تحقیقاً ترجمه کامل کتاب محسوب نمی شود.

۶. عین الحیات فی ترجمه حیات الحیوان

در نشریه نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران هم از کتاب دیگری با نام عین الحیاة فی ترجمه حیات الحیوان یاد شده که در شهر مدینه در مدرسه الساقزلی با کد دستیابی ۲۶۰ موجود است (نشریه نسخه های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران - دفتر ۵: ۵۰۹).

۷. ترجمه احمدشاهی مشهدی

در کتاب تاریخ نظم و نثر در ایران از ترجمه حیات الحیوان به فارسی توسط محمدحسین، فرزند احمد شاهی مشهدی، که گویا از دانشمندان سده دهم بوده است یاد شده (نفیسی، ۱: ۴۰۲) و نیز (منزوی، ۱۳۶۲: ۳۸۳۴).

۸. ترجمه ابوالفضل علّامی

ابوالفضل علامی، فرزند مبارک، برادر کهنتر فیضی، از نویسندگان زبردست و پرکار سده دهم و از درباریان اکبرشاه (۹۶۳-۱۰۱۴) حیات الحیوان را به فارسی ترجمه کرده است (منزوی، ۱۳۶۲: ۳۸۳۴). به طور کلی ماحصل کلام اینکه درمیان تراجم فارسی یاد شده، به نظر می‌رسد، ترجمه‌هایی نظیر خواص الحیوان از محمد تقی بن خواجه محمد تبریزی از صورت صغرای کتاب دمیری، صفات الحیوان از غیاث بن علاء دینی ایجی شبانکاری از حیات الحیوان وسطی و ترجمه حیات الحیوان با مقدمه علی بن محمد هارون هروی از صورت کبرای حیات الحیوان دمیری بوده است. ترجمه‌های ترکی کتاب دمیری نیز آنچنانکه خواهد آمد برهمین سیاق می‌تواند مترتب باشد.

ترجمه‌های ترکی حیات الحیوان

«ترجمه‌ای که احتمالاً از صورت صغرای حیات الحیوان به وسیله محمد بن سلیمان در دوران عثمانی شکل گرفت و نسخه‌ای از کتاب، در استانبول موزه توپکاپو سرای به شماره ۱۶۶۴ موجود است.^۵ دیگری احتمالاً از صورت وسطای حیات الحیوان توسط ابراهیم بن الحاج عبدالله الادانوی، مفتی سیواس ترکیه بود که این ترجمه شامل فهرستی از کتاب نیز می‌باشد. سومین ترجمه توسط عبدالرحمان بن ابراهیم که در قسطنطنیه در سال ۱۲۷۵ هجری طبع شده است»^۶ (Iranica, damiri).

نیز تحفة الزمان و خریدات الاوان از مؤلف دایرة المعارف ترک مصطفی بن علی الموقت که شامل مباحث جانورشناسی است، بر پایه کار دمیری و عجایب المخلوقات قزوینی صورت گرفته (Glassé, 315). آن چنانکه گفته آمد، مؤلف مقاله حیوان در دایرة المعارف اسلام (Encyclopedia of islam) تنها به اثر ادانوی و محمد بن سلیمان اشاره کرده است و احتمال داده که جزآن هم نباشد، حال آنکه جی، ای. راسل در ایرانیکا از دو ترجمه ترکی دیگر این کتاب هم یاد کرده است. (Iranica, damiri).

ترجمه‌های لاتین حیات الحیوان

کار دمیری در اروپا نیز شناخته شده است و به صور گوناگون به زبان‌های لاتین نیز برگردانده شده است. به طور نمونه، در فهرست منابع و مآخذ کتاب توماس رایکرافت^۷ ازین کتاب یاد شده است. نیز این کتاب توسط ساموئل بوکارت^۸ (۱۵۹۹-۱۶۶۷)، محقق انجیل، به قصد نمایش قدرت الهی با احترام به مخلوقات او، به نظم درآمد. دمیری درمیان مستشرقان قرن هجدهم با اثر بوکارت شناخته شد (Iranica, damiri) ابراهیم حاقلانی، دانشمند مارونی، دیوان الحیوان سیوطی را (رک: به مختصر سیوطی از حیات الحیوان درهمین مقاله) به لاتین ترجمه کرد، آنگاه ساموئل بوکارت بخش اعظمی ازین ترجمه را به کتاب خود «حیوانات مقدس» افزود، اعتبار این کتاب به لاتین با اثر دمیری پهلوی می‌زند. گزیده‌ای از حیات الحیوان نیز به زبان فرانسوی به کوشش سیلوستر دوساسی^۹ (مستشرق و ایران شناس فرانسوی) از روی چاپ فارسی کتاب در سال ۱۷۸۷ میلادی پدید آمد (العزی، ۱۴۵) از یک ترجمه منتشر نشده فرانسوی^{۱۰} از اثر دمیری توسط پتیت کرویکس^{۱۱} در کتاب هر بلوت^{۱۲} نیز یاد شده است.^{۱۳} کلنل جایاکار در بمبئی هندوستان (A.S.G. Jayakaer) ترجمه انگلیسی ناقص اما جامعی از کتاب از روی چاپ فارسی کتاب تا مدخل

ابوفراسبه همراه مقدمه عالمانه ای فراهم آور (Iranica, damiri) ^{۱۴} این ترجمه بیانگر تسلط عالی مترجم به دو زبان عربی، انگلیسی، ادب، علوم اسلامی و جانورشناسی است (العزی، ۱۴۶).

نمونه‌هایی از برخی ترجمه‌های فارسی

به منظور مقایسه حیات الحيوان با ترجمه‌هایش دو برگگی از بخش نخست کتاب؛ یعنی باب الاسد را برگزیده، به همراه برخی ترجمه‌های کتاب از جمله ترجمه ملا محمد سعید بن ملا سلیم علامی و عبدالحمید فاوجی، چاپ سنگی خواص الحيوان و یکی از نسخ خطی صفات الحيوان را درینجا باز می‌نماییم:

بخش باب الاسد از کتاب حیات الحيوان ^{۱۵}

باب الهمزة

الأسد

من السباع معروف، و جمعه أسود و أسد و آسد و آساد و الأثني أسدة و في حديث «۱» أم زرع: «زوجي إن دخل فهد، و إن خرج أسد». و له أسماء كثيرة، قال ابن خالويه: للأسد خمسمائة اسم وصفة. و زاد عليه علي بن قاسم بن جعفر اللغوي مائة و ثلاثين اسماً فمن أشهرها: أسامة و البهس و النّاج و المخذب و الحارث و حيدرة و الدوّاس و الرّئبال و زفر و السبع و الصّعب و الضّرغام و الضيّغم و الطيّار و العنيس و الغضنفر و الفرافصة و القسورة و كهمس و الليث و المتأنس و المتهبّب و الهرماس و الورد. و كثرة الأسماء تدل علي شرف المسمي. و من كناه أبو الأبطال و أبو حفص و أبو الأخيف و أبو الزعفران و أبو شبل و أبو العباس و أبو الحارث.

و إنما ابتدأنا به لأنه أشرف الحيوان المتوحش؛ إذ منزلته منها منزلة الملك المهاب، لقوته و شجاعته و قساوته و شهامته و جهامته و شراسة خلقه، و لذلك يضرب به المثل في القوّة و النجدة و البسالة و شدة الإقدام و الجراءة و الصّولة. و منه قيل لحمزة بن عبد المطلب رضى الله عنه: أسد الله و يقال: من نبل الأسد أنه اشتق لحمزة بن عبد المطلب من اسمه، و كذلك لأبي قتادة، فارس النبي صلي الله عليه و سلم. ففي صحيح مسلم، في باب إعطاء القاتل سلب المقتول. فقال «۲» أبو بكر رضى الله عنه: «كلا و الله لا يعطيه أضييعاً من قريش، و يدع أسداً من أسد الله تعالى يقاتل عن الله و رسوله». و سيأتى إن شاء الله تعالى في باب الضاد المعجمة.

و هو أنواع كثيرة، قال أرسطو: رأيت نوعاً منها يشبه وجه الإنسان، و جسده شديد الحمرة، و ذنبه شبيه بذنب العقرب، و لعل هذا هو الذى يقال له الورد. و منه نوع علي شكل البقر له قرون سود نحو شبر، و أما السبع المعروف فإن أصحاب الكلام في طبائع الحيوان، يقولون: إن الأثني لا تضع إلّا جرواً واحداً تضعه لحمة ليس فيه حسّ و لا حركة، فتحرسه كذلك ثلاثة أيام، ثم يأتى أبوه بعد ذلك فينفخ فيه، المرة بعد المرة، حتى يتنفس و يتحرك و تنفّج أعضاؤه، و تتشكل صورته، ثم تأتى أمه فترضعه، و لا يفتح عينيه إلّا بعد سبعة أيام من تخلقه، فإذا مضت عليه بعد ذلك ستة أشهر، كلّف الاكتساب لنفسه بالتعليم و التدريب. قالوا: و للأسد من الصبر علي الجوع، و قلة الحاجة إلى الماء، ما ليس لغيره من السباع. و من شرف نفسه: أنه لا يأكل من فريسة غيره، فإذا شبع من فريسته تركها، و لم يعد إليها، و إذا جاع ساءت أخلاقه، و إذا امتلأ من الطعام ارتاض و لا يشرب من ماء و لغ فيه كلب: و قد أشار إلى ذلك الشاعر بقوله:

و ذاك لكثرة الشركاء فيه

رفعت يدي و نفسى تشتهيه

و أترك جبهها من غير بغض

إذا وقع الذباب علي طعام

و تجتنب ایسود ورود ماء
و قد ألغز بعضهم في القلم فقال «۱»:

و أرقش مرهوف الشبابة مهفف
تدين له اى فاق شرقا و مغربا
يشتت شمل الخطب و هو جميع
و تعنوا له ملاكها و تطيع
حي الملك مفظوما كما كان تحتوى
به ايسد في اى جام و هو رضيع

و إذا أكل نهس من غير مضغ، و ريقه قليل جدا، و لذلك يوصف بالبحر، و يوصف بالشجاعة و الجبن، فمن جنبه أنه يفرع من صوت الديك، و نقر الطست، و من السنور، و يتحير عند رؤية النار، و هو شديد البطش، و لا يألف شيئا من السباع لأنه لا يري فيها ما يكافئه، و متى وضع جلده علي شيء من جلودها تساقطت شعورها، و لا يدنو من المرأة الحائض و لو بلغ الجهد، و لا يزال محمومًا، يعمر كثيرا و علامة كبره سقوط أسنانه؛ روي ابن سبع السبتي، في شفاء الصدور، عن عبد الله بن عمر بن الخطاب رضى الله عنهما، أنه خرج في بعض أسفاره، فبينما هو يسير إذ هو بقوم و قوف، فقال: ما هؤلاء القوم؟ قالوا: أسد علي الطريق قد أخافهم، فنزل عن دابته ثم مشي إليه حتى أخذ بأذنه، و نحاه عن الطريق، ثم قال له: ما كذب عليك رسول الله صلى الله عليه و سلم بقوله: إنما سلطت علي ابن آدم لمخافته غير الله، و لو أن ابن آدم لم يخف إلا الله تعالى لم تسلط عليه و لو لم يرج إلا الله تبارك و تعالى لما و كله إلى غيره.

و في سنن أبي داود، من حديث «۲» عبد الرحمن بن آدم، و ليس له عنده سواه، عن أبي هريرة رضى الله تعالى عنه أن النبي صلى الله عليه و سلم قال: «ينزل عيسى بن مريم عليه الصلاة و السلام إلى الأرض و كأن رأسه يقطر، و لم يصبه بلل، و أنه يكسر الصليب و يقتل الخنزير، و يفيض المال و تقع الأمانة في الأرض، حتى يرعى الأسد مع الإبل، و النمر مع البقر، و الذئب مع الغنم، و يلعب الصبيان بالحيات و لا يضر بعضهم بعضا؛ ثم ييقي في الأرض أربعين سنة، ثم يموت و يصلى عليه المسلمون و يدفونونه. و في الحلية لأبي نعيم، في ترجمة ثور بن يزيد، قال: بلغني أن الأسد لا يأكل إلّا من أتى محرّما.

بخش نخست حیات الحيوان با مقدمه علی بن محمد هارون هروی

اسد معروفست و جمع آن اسود است بر وزن خلود. اسد بر وزن خلد اسد بروزن اجر اساد بر وزن آباد و مونث اسده باشد با تا در حدیث ام زرع وارد است که «زوجی إن دخل فهد، و إن خرج أسد».

و اما شیر درنده که مشهور و معروف است، شناسندگان طبایع حیوانات گویند که مؤنث آن در وقت زاییدن همین تنها بچه را می نه‌د آنهم گوشت پاره‌ای است که اصلا حس و حرکت درو نیست تا سه روز. آن را به آن کیفیت پاسبانی می کند پس آنکه پدرش می آید و پی در پی دم درو می دمد تا اینکه حرکت و نفس درو پیدا و اعضایش آشکار و هویدا و صورتش تشکل پذیر می گردد، باز مادرش می آید و او را شیر می دهد تا هفت روز چشم باز نمی کند و بعد از آن که شش ماه بر وی بگذرد او را بر آموختن پیشه خود تعلیم و آموزگاری می کند و گفته اند آن خصلت که شیر را هست از صبر بر گرسنگی و قلت احتیاج به آب دیگر وحشیات را نیست و از عادت او آن است که از کشته غیر نخورد و برین معنی اشاره است:

نخورد شیر، نیم خورده سگ
گر بسختی بمیرد اندر عنا

و چون از کشته خود سیر شود، آن را می‌گذارد و دیگر بران عودت نخواهد کرد و چون گرسنه گردد بدخلق می‌شود و آن زمان که از طعام امتلا یابد به ریاضت خود را می‌نماید و از آبی که سگ دهان فروبرده باشد نمی‌آشامد و شاعر برین معنی اشارت کرده چنانکه گفته است:

إذا وقع الذباب على طعام رفعت يدي نفسي تشتهي

چون مگس بر طعام بیفتد برمی‌دارم دست خود را از طعام و حال آنکه نفس من از روی آن طعام می‌کند:

و تجتنب الاسود ورود ماء اذا كان الكلاب يلغن فيه

دوری می‌نمایند شیرها از داشتن بر آب زمانیکه سگها زبان در آن فروبرند

و نیز عادت وی چنانست که می‌گزد و می‌لیسد؛ اما نمی‌خورد و از بسکه آب دهانش بسیار اندک است به گند دهن موصوف شده و به شجاعت و جبن معروف است از جبن وی آن است که از آواز خروس و صدای طشت و از گربه می‌ترسد و از دیدن آتش متحیر می‌شود و وی سخت حمله است و با چیزی از وحشیات دیگر الفت نخواهد گرفت؛ ازین جهت که همتای خود را از آنها نمی‌بیند و هرگاه پوست وی بر چیزی از پوست‌های آن‌ها نهاده شود، مویشان می‌ریزد. نزدیک زن حایض نمی‌شود، اگر تنگی و افتادن دندان‌هاست. ابن سبع سبّتی، در کتاب در بعضی از سفرها گزارش برجماعتی افتاد که همگی برپا ایستاده بودند پرسید، حال اینها چیست؟ گفتند شیری بر سر راه ایشان را ترسانیده همان ساعت از مرکب به پایین آمد و به سوی شیر رفت گوش او را بگرفته از راهش دورانداخت، پس آنکه با شیر خطاب نمود که پیغمبر خدا در حق تو دروغ نگفته که ترا فرموده است که از آن جهت ترا بر بنی آدم مسلط گردانیده اند که از غیر خدا می‌ترسند ترا برایشان مسلط نمودند و نیز اگر بنی آدم امید به غیر خدا نداشتی خدای او را به غیر خود واگذار نمی‌نمود و در سنن ابی داود که لیس عنده سواء از ابی هریره مروی است که پیغمبر فرمود که عیسی بن عمران بر زمین نازل می‌شود، گویا سراو آب را می‌چکاند اگر چه نمی‌بدان نرسد صلیب را می‌شکند و خوک را می‌کشد مدعا آن است که حکم به بطلان دین نصاری می‌کند مال را ارزان می‌دارد و امنیت در زمین پیدا می‌شود. شیر با شتر و کلنگ با گاو و کرگ با گوسفند می‌چرند و بچه‌ها با مارها بازی می‌کنند و بعضی به بعضی ضرر نمی‌رسانند تا جهان دو؟ زمین باقی می‌ماند پس آنکه متوفی می‌شود و مسلمان‌ها نماز برو می‌گذارند و او را دفن می‌کنند. در کتاب حلیه در ترجمه نور بن یزید منقول است که شیر نمی‌خورد، مگر کسی را که مرتکب فعل حرام گردد.

تصویر برگ اول و دوم نسخه صفات الحيوان موجود در کتابخانه ملی به شماره ۲۶۵۹:

بسم الله الرحمن الرحيم
 حمدی علی راسه که بخاری لطیف السبج جوده حیوان سخت و گنبد دانا و استوار است
 که ترکیب آن جزو آن از خلط غریب و صوابت صورت و استوار است
 زانکه گفته اند روح متور و قالب معطر است که او میان ازین سطح است سبج و استوار
 بهر تبهات است و یکت رسیند و برال و اصحابی هر یک دلیل را به استوار
 طریق منقسم اند و محضی مانند برای ارباب بین و دولت و اصحابی هم و فطانت
 الله سبحانه و تعالی هر چیز را که آفرید در دنیا منقسم و خاصه خلق فرموده کمال خلیه و منقسم
 و طریقی در سبج مکنونات مخفیات ظاهر کرد و ازین صراجه که هست سبج و منقسم
 موالید است که خلق فرموده اول جا که مکنون آن از اصل تراش و دیگر عرضی و منقسم
 و در وی مکنون حالی از تو و نمود حرکت است در مکنون که مکنون و ازین صراست و در
 نژاد و نمود حرکت است سیم حیوان که کمال موالید است در وی حسن و حرکت طبعی خلق فرمود
 و چون در حسن تقویم تقدیر حیوانیت بهر تبه قدیمت و یکت رس و معرفت صفت
 که اعظم کالات است حاصل کند و بر جمیع مکنونات و عالم تجرد مطلع شود و هر چه را چنانکه
 است تقدیر طاق خود پند حکیم که هر شود و بصفت حکمت است که در او از غلبه معصومات است

اسلامیت



علمی بسیار است اصل علم است
 از وی آسان است هر چه را در دنیا
 ازین سطح است سبج و استوار
 بهر تبهات است و یکت رسیند و برال و اصحابی هر یک دلیل را به استوار
 طریق منقسم اند و محضی مانند برای ارباب بین و دولت و اصحابی هم و فطانت
 الله سبحانه و تعالی هر چیز را که آفرید در دنیا منقسم و خاصه خلق فرموده کمال خلیه و منقسم
 و طریقی در سبج مکنونات مخفیات ظاهر کرد و ازین صراجه که هست سبج و منقسم
 موالید است که خلق فرموده اول جا که مکنون آن از اصل تراش و دیگر عرضی و منقسم
 و در وی مکنون حالی از تو و نمود حرکت است در مکنون که مکنون و ازین صراست و در
 نژاد و نمود حرکت است سیم حیوان که کمال موالید است در وی حسن و حرکت طبعی خلق فرمود
 و چون در حسن تقویم تقدیر حیوانیت بهر تبه قدیمت و یکت رس و معرفت صفت
 که اعظم کالات است حاصل کند و بر جمیع مکنونات و عالم تجرد مطلع شود و هر چه را چنانکه
 است تقدیر طاق خود پند حکیم که هر شود و بصفت حکمت است که در او از غلبه معصومات است

اسلامیه است و در حد خمس خمین مابین رحلت کرده و عمر وی از نود و پنج
 نموده و در ایام رشید و ایام متوکل بوده و کتاب حیوان نوشته و کتاب است
 بسیا و جامع و ابو عبیده و اندلسیه در سنه اربعه بوده و از آن خنصر کرده
 و خواب زباده منصفه روح ایچوان نام نهاده و در میری از این هر کتاب و جامع
 این سطر و عایب المخلوقات فردین و دیگر کتاب جمعی کرده و از آن حیوانه ایچوان
 نام کرده در حد و سنه این حقیر قبل البصاء اقل عبد الله و یعقوب از
 منصور بن حسن ابن ابراهیم مقبضات ابن علاء الدین ابی غفر الفاضل
 کتاب حیوانه ایچوان را به سه ترجمه کرده و بعضی از اشعار و مثال در تحت آن
 فایده کیه بود طبع کرده و آنچه تعلق بازل حیوان بود آورد و اسنیه و میری آورده
 بعد از خواص و خصایص و عمر طبع و شهر و بعضی حکایات مناسب از هر محل تقصیر تمام
 در محل خود ذکر نموده و آنچه اعتماد تمام بر او نبوده ذکر کرده و این کتاب با صفت
 ایچوان نام نهاده و الله الموفق للکامل بر حسن تخیله این کتاب بنام سطر
 از سطوت قهرش شهر را داد الاسططاری ش. ترک نظر منصفه و کرک اخفیات
 او صید غنم و کبایش فراموشن باز مکر برواثره این ش. عالم پناه از طبر
 پرواز نمیکند به علش منصفی ان منبت می تواند بر جانوران منصف و دیگر جان

این کتاب در حد و سنه این حقیر قبل البصاء اقل عبد الله و یعقوب از منصور بن حسن ابن ابراهیم مقبضات ابن علاء الدین ابی غفر الفاضل کتاب حیوانه ایچوان را به سه ترجمه کرده و بعضی از اشعار و مثال در تحت آن فایده کیه بود طبع کرده و آنچه تعلق بازل حیوان بود آورد و اسنیه و میری آورده بعد از خواص و خصایص و عمر طبع و شهر و بعضی حکایات مناسب از هر محل تقصیر تمام در محل خود ذکر نموده و آنچه اعتماد تمام بر او نبوده ذکر کرده و این کتاب با صفت ایچوان نام نهاده و الله الموفق للکامل بر حسن تخیله این کتاب بنام سطر از سطوت قهرش شهر را داد الاسططاری ش. ترک نظر منصفه و کرک اخفیات او صید غنم و کبایش فراموشن باز مکر برواثره این ش. عالم پناه از طبر پرواز نمیکند به علش منصفی ان منبت می تواند بر جانوران منصف و دیگر جان

فرمود که هرگاه در وادی باشد که از شیر ترسد بگوید ای حوزرت و اینال و با محبت من شیرالاسد از شیر و سیاه
سباج مخلوط مانده بداند که شیر را سبب است از آنجمله ابو نصر فرای نه اسم در رشته نظم کشیده و در یک بیت
آورده چنانکه گفته غنچه و اسد و لیث و حارث و دلماش برز و قوره و حیدر است و ضیغم شیر



تغیر اگر در خواب چندی که بر شیر سوار است و غیرت بر دشمن غالب شود اگر ترسد در بلیه افتد اگر چندی که شیر او را
کشت هرگاه آن شخص بنده باشد از او شود و آلا از سلطان خائف گردد و اگر چندی که شیر او تعلق میکند امور
عجب از او ظاهر شود و بر اعدا غالب گردد اگر چندی که شیر منخور پادشاه شود اگر چندی که پاره از بدن شیر در کنار
خود نهاده اگر زنی حمل دارد پس آورد و آلا پس پادشاه را در کنار گیرد و دیدن شیر در خواب گاه و دلیل سلطان
البس بود که از او ایمن نباشد و گاه و دلیل موت باشد و بجهت مریض اگر دلیل شفا بود و آله اعلم ارباب
خرگوش و بز که توشقان در جمهور علمای شیعه و قبلی از عامه گوشت و حرام است اما خرگوش بجزی با اتفاق حرام است
و از جمله سموم است بدن او مانند بدن ماهی است سرش مثل سر خرگوش بری از جمله خواص او آنکه چون قصیده بن
و پالمی و اطول انداز بر فراز بزم رود و قضیب او مثل قضیب رد با یکصف پی و یکصف استخوانی و یکسال بزود
سلاده بود و بسیار باشد که اگر کثرت شهوتیکه او را است حمل نر او با ماده جمعه شود اگر زنی آنفخته را او را بیاشامد پس زاید
اگر آنفخته ماده پس را و خر زاید و اگر زنی خون از بیاشامد هرگز بار نگیرد و مغریر او اکثر با فاعل آن تعاثر از طرف سار
و اگر خون در بر بنی سود طلا کنند مافع آید اگر کد آنکس از مغریر او را باد و وجهه کافور مخلوط ساخته بخورد هر که او را
و برزیز که نظر بر وی افتد طلب مباشرت وی نماید گویند که او حیض میند و گوشت و علف هر دو خورد و در وقت خواب
چشم او کشاده بیناند بسیار باشد که صیاد به خیمه گمان برد که بدار است نزد او زود و زود و زود و زود و زود که جن

بسم الله الرحمن الرحیم

چنان‌چوان عاجل و بشان انسان کامل باظهار الای و اندکادغای حی است توانا که آثار مینش مایشا و انوار قدوت خیر خیر
لا اله غیر از هر عینی از ایمان ثابت و از هر فرد و از افراد ممکن پیدا و ظاهر است فادری که از یک گردش خامه نقد بر نامه
دیرش هزاران پات دل بد پر و صناعات مستنیر در لوح مجو الله مایشا و پیش ما بشان کلی هویدا و با هر نظم

ذات او کاو است با آخر چون به بینی بدیده ظاهر

خالقی که از کمال نور ظهور بحجاب صفات خود مستور

نظم دین جواح بصلح جان حیران نیست پیدا مگر تعین ذات

نظم عزادار در میان واسطه نیست ذات را جز صفات رابطه نیست

چکبست که باقتضای حکمت کامله و مقتضای مینش قابل در هر عصری از اعصار در در وجودی که مستعد انوار عظیمه است
سازد ناغوان با دیر غوایت و گراهان جاده ضلالت هم را برین سبیل و سالک منزله بیا من هدایت رساند و بچنان و افاد
بر مین خلاصه کابیان و کون سلاطین موجودات محمد بن عبدالله علیه الصلوة والسلام واله الطیبان المکرام که نفوس احکام
احسن التقوی بر صفات وجود و اجیان که هم خیر تو کشید اند و پادشاهان سلطان فرقان مجید از اودان دیوان اخلاق که

چو بدیده است که بیت الفیض مطلعش چون مهر در رخشان از انق کین فکان دیدن

مصفی کش خدا پسندیدن فروش از ربت بحرس بو سپیده

رکن ایمان قوی بنش او افرینش طراز کوه او

پس در آینه اولی در پیش نقش از آنچه نطق گوید پیش

وصف خود بدید چون کند خفا نقش عفا کجا کند فناش

از ازل تا ابد در ظلمت از احسان تا زمین ملک ملک

مصر شکل او همچون وزغ است یعنی اندام وی عظیم و هیبت او وزغ خلاق شد و اگر چشم او بر کسی گرازیب بترسد بنده ازان



برسد مادر او بکرا از خط نشسته باشد و از سطا طال پس
در کتاب جوان گفته است که شریان باه می‌تکند
و در اغاظ می‌افتد و در هر شهر لا مصر و ان
نفس می‌چراپت که ملک هند را بجلد می‌بهریستند
و ان چنان بود که بسکن در سرش را می‌بهرند و می‌بهرند
از علنا کنند هم چنان بومی دارند تا بر زمین هند

هرگاه مثقالی ازان نمک بر نیم مرغ یا گوشت بکند و بخورد نفع بسیار در ان باب می‌رساند و در بحث علاج مذکور می‌پایانستیم
که در بریزیم نمک بکند هر چه ازان تخمها در اب بپزد علاج کرده و هر چه می‌ماند استغفوری شود و در اب سبز حکم ان و حکم شقوق
هندی خواهد آمد انتم نعم **الاسود السالخ** نوع بسیار از قبیعت سیاه بان موسوم شد از حیث اینکه هر سال پوست می‌افتد



گویند اسود سالخ و موث انرا می‌گویند سالخ و انرا
سالخ گویند و بدین تشبیه صف چنانکه نول
اصعی را بوز بدارد و این بدین تشبیه حکایات
کرده است و اول معروف نر است و اسود سالخ و سول
هم چنین ازان سیده منقول است و ابو دورد و سول
خام از عبدالله بن عمر روایت کرده که حضرت م هرگاه بفرمیدت و سب می‌آمد میگفت یا رضی ربی و ربك الله اعوذ من شرک و شر

ما بینك و شر ما خلق قبلك و شر ما یلد بعدك اعوذ بالله و اسد و اسود و من الحیة و العقرب و من ساكنی البلاد و والد و الد و والد

و ساكن ولد الجن و گفته اند والد و ما ولد ابليس و شیطا طین است و در صحیحین مرویت که پیغمبر امر بقتل الاسود و بن
فی الصلوة یعنی بر بکشتن د اسود فرمود در نماز مراد بد و اسود و مار و عقرب است و ابن هشام در کتاب سخا انشا عوذ

مابال عینك لا تنام کاغذی
گفت ما اینها بیم الاسود

چنانچه چشم که نمی‌خوابد
میکند که است ان بر هر مار ساه

چفا علی سبطین حلا بثر یا
اولی لهم بعقاب يوم مفند

از پیغمبر بود در سبطی گروه و قبله و فرزند داده که ناله
سزاوارست ایشانرا عقیبت روز شتر و فساد

امام شافعی راست

و الشاعر المتطوق اسود سالخ
و الشعر منه لعابه و مجاجه

شاعر مضیع مار سباه است
شوازی و لعاب و مجاج هر داب و هن اد

و عداوة الشعراء واء معضل
و لغد چون علی اکرم علاج

دشمنی هر شعراست سعت
و هر ایشانات بر صاحب کرم علاج ان

پی‌نوشت‌ها

- ۱- مقاله حاضر نتیجه طرح پژوهشی نگارنده با همین عنوان در دانشگاه پیام نور است.
- ۲- درباب زندگی و آثار جاحظ ر.ک. زکاوتی قراگوزلو، علیرضا. زندگی و آثار جاحظ. انتشارات علمی و فرهنگی تهران، ۱۳۶۷.
- ۳- برای آشنایی با زندگی و خدمات زکریای رازی ر.ک. محقق، مهدی، فیلسوف ری، محمد بن زکریای رازی، مؤسسه مطالعات اسلامی مک گیل، تهران، ۱۳۵۲.
- ۴- نیز رساله کارشناسی ارشدی با عنوان تصحیح و تحشیه خواص الحيوان توسط فاطمه مهری در دانشگاه تهران به سال ۱۳۸۶ فراهم آمده است.

- 5- Topkapi sarayi, revan MS. No. 1664, F.E.Karatay, Topkapi Sarayimuzesi Kutufanesi TukceYazmalar Katalogu, Vol.I, Istanbul, 1961, P.567
- 6- A. Adivar, osmanli turklerinde iulim, Istanbul, 1943, pp. 15, 76, 91
- 7- Hierozoicon sive bipartitum opus de animalibus sacrae scripturae, London, Thomas Rycroft. 1663.
- 8- Samuel bochart
- 9- Silstre de sacy
- 10-Histoire des animaux
- 11-Petit de la croix
- 12- Herbelot
- 13-Bibiliotheque orientale, oudictionaire universel, tom IV , 1779; h. a. scultens additions (1782), p. 731
- 14- Ad-Damiri Hayat-al-Hayawan. Translation by A. S. G. Jayaker. 2 vols. London, 1906

۱۵- حیات الحيوان الکبری، ج ۱، ص: ۱۱

منابع

- ۱- آقابزرگ طهرانی، محمد محسن. (۱۳۴۸ - ۱۲۵۵). الذریعه الی تصانیف الشیعه. نجف: مکتبه صاحب الذریعه العامه.
- ۲- ایجی شبانکاری، غیاث بن علاء دینی. صفات الحيوان. نسخه خطی.
- ۳- العزى، عزیزالعلی. (۱۳۶۴). «الدمیری و کتابه حیات الحيوان»، نشریه المورد، شماره ۵۶، ص ۱۳۹-۱۵۲.
- ۴- بامداد، مهدی. (۱۳۷۴). شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هـ. تهران: کتابفروشی زوار.
- ۵- تبریزی محمد تقی بن خواجه محمد، خواص الحيوان، چاپ سنگی.
- ۶- تاجبخش، حسن. (۱۳۷۹). تاریخ دامپزشکی و پزشکی. تهران: دانشگاه تهران.
- ۷- جاحظ، ابو عثمان عمرو بن بحر. (۱۴۲۴). الحيوان. به کوشش محمد باسل عیون السود. بیروت: دارالکتب العلمیه. چاپ دوم.
- ۸- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله القسطنطنی الرومی الحنفی. (۱۲۷۴). کشف الظنون، بیروت: دارالطباعه.
- ۹- درایتی، مصطفی. (۱۳۸۹). فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا). کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

- ۱۰- دانش پژوه، منوچهر. (۱۳۴۰). افشار، ایرج نسخه‌های خطی؛ نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۱- دمیری کمال الدین. (۱۴۲۴). **حیات الحيوان الكبرى**، به کوشش احمد بن حسن سج. بیروت: دارالکتب العلمیه. چاپ دوم، ۲ج.
- ۱۲- **دایرة المعارف تشیع**. (۱۳۹۰). تهران: حکمت، ۱۴ج.
- ۱۳- ربن طبری. (۱۹۲۸). فردوس الحکمه فی الطب، لابی الحسن علی بن سهل ربن الطبری، تصحیحه محد زیبر الصدیقی، اوقاف ئی جی غب، مطبع آفتاب، برلن.
- ۱۴- ذکاتوتی فراگوزلو، علیرضا. (۱۳۶۷). **زندگی و آثار جاحظ**. انتشارات علمی و فرهنگی تهران.
- ۱۵- صفا، ذبیح الله. (۱۳۶۶). **تاریخ ادبیات در ایران**، تهران: فردوس، ۸ج.
- ۱۶- طوسی، محمدبن محمود. (۱۳۸۲). **عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات**. به‌اهتمام منوچهر ستوده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۷- علامی، ملا محمد سعید بن ملا سلیم؛ فاوجی، عبدالحمید. ترجمه حیات الحيوان. با مقدمه علی بن محمد هارون هروی. نسخه خطی، کتابخانه شخصی نگارنده.
- ۱۸- کحاله، عمررضا. (بی‌تا). **معجم المؤلفین: تراجم مصنفی الکتب العربیه**. مکتبه المثنی - بغداد، دار احیاء التراث العربی - بیروت.
- ۱۹- منزوی، احمد. (۱۳۸۲). **فهرستواره کتابهای فارسی**. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- ۲۰- نفیسی، سعید. (۱۳۴۴). **تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی**، تهران: کتابفروشی فروغی.
- ۲۱- نوایی، میرنظام‌الدین علیشیر. (۱۳۶۳). **تذکره مجالس النفائس**. به سعی و اهتمام علی‌اصغر حکمت. تهران: منوچهری.

منابع لاتین

22- Glassé, Cyril. Encyclopedia of Islam, Walnut Creek: Altamir Press, 2002= 1381

سایت‌ها

- ۲۳- مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی: www.cgie.org.ir
- ۲۴- دانشنامه ایرانیکا: www.iranicaonline.org
- ۲۵- نسخ خطی مرکز اسناد و کتابخانه مرکزی جمهوری اسلامی ایران: www.dl.nlai.ir
- ۲۶- سایت بیاض: www.bayaz.ir